

مروری بر تأثیر سید حسن نصرالله بر رشد عمقی وسطحی مقاومت در سپهر سیاسی لبنان

رهبر لبنان؛ از میدان نبرد تا صحنه سیاست



واکنش به این ورود سیاسی، بارها تأکید کرده‌بود این مشارکت به‌معنای عبور از مقاومت نیست، بلکه آن‌را تکمیل می‌کند.او گفته‌بود: «ما با مشارکت سیاسی، سنگ‌راهی خود را از میدان جنگ به‌نهادهای رسمی کشور نیز گسترش می‌دهیم». این ورود هوشمندانانه، به‌مروور حزب‌الله‌را به‌یکی از فراکسیون‌های تأثیرگذار پارلمان لبنان تبدیل کرد. شخصیت سید حسن با صداقت، تسلط کلامی وتوان اجماع‌سازی، نقش انکارناپذیری در مشروعیت‌بخشی به‌این روند ایفا کرد.

نادین خزل، نویسنده و فعال لبنانی در این زمینه به قدس می‌گوید: «شرکت در انتخابات ۱۹۹۲ نه عقب‌نشینی بود و نه امتیازدهی. سید حسن می‌دانست اگر

مقاومت بخواهد باقی بماند، باید ریشه در خاک سیاست بدواند. حضور در پارلمان، کاشت بذر مشروعیت‌بود؛ نه برای کسب کرسی، بلکه برای محافظت از پشتوانه مقاومت». در دهه‌های بعد، جناح سیاسی حزب‌الله، موسوم به «وفاداری به مقاومت» نه‌تنها در پارلمان تثبیت شد، بلکه از سال ۲۰۰۵

وکنش به این ورود سیاسی، بارها تأکید کرده‌بود این مشارکت به‌معنای عبور از مقاومت نیست، بلکه آن‌را تکمیل می‌کند.او گفته‌بود: «ما با مشارکت سیاسی، سنگ‌راهی خود را از میدان جنگ به‌نهادهای رسمی کشور نیز گسترش می‌دهیم». این ورود هوشمندانانه، به‌مروور حزب‌الله‌را به‌یکی از فراکسیون‌های تأثیرگذار پارلمان لبنان تبدیل کرد. شخصیت سید حسن با صداقت، تسلط کلامی وتوان اجماع‌سازی، نقش انکارناپذیری در مشروعیت‌بخشی به‌این روند ایفا کرد.



مقاومت بخواهد باقی بماند، باید ریشه در خاک سیاست بدواند. حضور در پارلمان، کاشت بذر مشروعیت‌بود؛ نه برای کسب کرسی، بلکه برای محافظت از پشتوانه مقاومت». در دهه‌های بعد، جناح سیاسی حزب‌الله، موسوم به «وفاداری به مقاومت» نه‌تنها در پارلمان تثبیت شد، بلکه از سال ۲۰۰۵

سیداحمد موسوی | در تاریخ لبنان معاصر، کمتر شخصیتی به اندازه شهید سید حسن نصرالله توانسته

نیرویی مقاومت‌محور را به‌باز یگری مؤثر و نهادینه‌شده در ساختار سیاسی رسمی کشور تبدیل کند. دبیرکل حزب‌الله لبنان که در سال ۲۰۲۴ در پی حمله هوایی رژیم صهیونیستی در ضاحیه جنوبی بیروت ترور شد، نه‌تنها چهره‌ای کاربزماتیک در سطح منطقه بود، بلکه معمار ورود و تثبیت تدریجی حزب‌الله در سپهر سیاسی و ساختار قدرت لبنان به شمار می‌رود. او نه‌فقط به‌عنوان رهبر این جنبش، بلکه به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های تأثیرگذار در خاورمیانه شناخته می‌شد؛ تا آنجا که برخی تحلیلگران او را با جمال عبدالناصر

مقایسه کرده‌اند.

رود به انتخابات پارلمانی؛ نخستین گام‌ها

در سال ۱۹۹۲، حزب‌الله به رهبری سید حسن برای نخستین‌بار در انتخابات پارلمانی لبنان شرکت کرد؛ تصمیمی که در زمان خود، بسیاری را شگفت‌زده کرد. سید حسن در

حرکت فرهنگی نصرالله؛ امتداد ایده‌های امام موسی صدر

شهید سید حسن نصرالله، خود را در امتداد همان خط فکری ای می‌دید که امام موسی صدر در لبنان بنا نهاد. این تداوم، نه‌تنها در سیاست و مقاومت نظامی، بلکه مهم‌تر از آن، در عرصه فرهنگی و اجتماعی نیز مشهود است. سید عزیز با بهره‌گیری از ایده‌های صدر و افزودن ابزارها و روش‌های روزآمد، توانست یک «زیست‌جهان فرهنگی و اجتماعی» کارآمد و پویا برای مقاومت بسازد که هم هویت‌ساز است وهم مشروعیت‌آفرین. در این یادداشت، به بررسی ابعاد مختلف این حرکت فرهنگی می‌پردازیم.

■ فرهنگ مقاومت؛ از ایده تا زیست‌جهان

بزرگ‌ترین نقطه پیوند میان امام موسی صدر وسید حسن



تحلیل

مصطفی قاطمی‌نسب

در اختیار گرفتن چند وزارتخانه، به بخشی از دولت لبنان بدل شد. سید شخصاً نقش کلیدی در تشکیل ائتلاف‌هایی میان نیروهای سیاسی متنوع ایفا کرد؛ از جمله با جنبش میهنی آزاد به رهبری میشل عون و برخی احزاب سنی و دروزی.



ایران در لبنان در این باره به قدس توضیح می‌دهد: «یکی از نقاط قوت سید حسن، توانایی او در ایجاد ائتلاف‌های سیاسی

فراتر از گفتمان‌های مذهبی بود. او با تعامل سازنده با گروه‌های مسیحی، سنی و حتی مستقل‌ها، توانست حزب‌الله را در جایگاه یک نیروی ملی، نه صرفاً فرقه‌ای، تثبیت کند». خزل نیز این نگاه را چنین توصیف می‌کند: «سید حسن توانست با زبانی سخن بگوید که هم مسیحی را آرام می‌کرد و هم مسلمان را. او دست دوستی به سوی رقبای سیاسی دراز کرد، نه از سر ضعف، بلکه از عمق اطمینان به مشروعیت خود. در عین حال، پیوند راهبردی اش با ایران و سوریه را نیز هوشمندانه حفظ کرد».

حاکمیت معطوف به این طبقه نشود، محرومیت به‌اشکال مختلفی خود را باز تولید می‌کند. بنابراین، کمک مالی به‌تنهایی نمی‌تواند تمام نیازهای افراد محروم را برطرف کند. آن‌ها به دیده‌شدن و مشارکت فعال در جامعه نیاز دارند تا احساس کنند بخشی از یک کل بزرگ‌تر هستند و ارزش اجتماعی دارند.

شهید نصرالله نیز همانند امام موسی صدر، معتقد بود فقر فقط نداشتن پول نیست؛ بلکه فقر آموزش، بهداشتی و حتی «احساس دیده‌شدن» نیز بخشی از آن است. امام موسی صدر با تأسیس مدارس و مراکز خدماتی تلاش کرد شیعه لبنان احساس کند به رسمیت شناخته شده‌است. نصرالله این مسیر را با تأسیس نهادهای گسترده ادامه داد. شبکه مدارس المهدی، کلینیک‌ها و بیمارستان‌های وابسته به حزب‌الله و مؤسسات خیریه‌ای همچون بنیاد شهید، نه‌تنها نیازهای فوری مردم را برطرف می‌کنند، بلکه هویت جمعی ساکنان جنوب لبنان را از نومی‌سازند.

■ المنار؛ صدای جهانی مقاومت

اگر امام موسی صدر با تأسیس «حرکه المحرومین» به دنبال ایجاد نهادی هم‌زمان سیاسی و فرهنگی بود،

■ مدیریت شکست‌ها و افکار عمومی

با وجود پیشروی‌های سیاسی، سید حسن حتی در مواجهه با ناگامی‌ها نیز توانست وجهه حزب‌الله را حفظ کند. در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۹، پس از شکست جناح مقاومت، سید با لحنی آرام ومسئولانه اعلام کرد حزب‌الله نتیجه انتخابات را با «روحیه ورزشی» می‌پذیرد و این شکست را بخشی از رقابت دموکراتیک می‌داند. او همچنین پیروزی رقبای سیاسی را به آن‌ها تبریک گفت. سیدافقهی این رویکرد را نقطه‌عطفی در بلوغ سیاسی حزب‌الله می‌داند و می‌گوید: «در منطقه‌ای که احزاب معمولاً پس از شکست انتخاباتی به تقلب یا توطئه متوسل می‌شوند، این سطح از بلوغ سیاسی که سید نشان داد، کم‌نظیر است».

سید شهدای مقاومت نه‌تنها رهبری سیاسی و نظامی حزب‌الله را بر عهده داشت، بلکه چهره رسانه‌ای و گفتمانی آن نیز محسوب می‌شد. سخنرانی‌های منظم و زنده او، با بهره‌گیری از ترکیبی از عقلانیت سیاسی، گفتمان مقاومت و الهام‌گیری دینی، ارتباطی مؤثر با افکار عمومی برقرار می‌کرد.

به گفته سیدافقهی، کاربزمای سید حسن و قدرت بیانی‌اش سبب شده بود نه‌تنها در میان شیعیان، بلکه در بخش‌هایی از جامعه مسیحی و سنی لبنان هم از مشروعیت برخوردار باشد. او موفق شد حزب‌الله را از یک گروه صرفاً نظامی به نیرویی دارای گفتمان و پایگاه مردمی تبدیل کند.

■ تثبیت مشروعیت سیاسی در کنار قدرت نظامی

اگر چه حزب‌الله ساختار نظامی خود را حفظ کرد، اما سید حسن با ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی، رسانه‌ای و خدماتی، این جنبش را به نوعی «حزب-دولت» تبدیل کرد. از «جهاد سازندگی» و «بنیاد شهید» گرفته تا شبکه المنار، این نهادها به حزب‌الله امکان دادند هم‌زمان با حضور نظامی، در حوزه‌های خدمات اجتماعی، آموزش، درمان و رسانه نیز ایفای نقش کند.

نادین خزل در این باره بیان می‌کند: «حزب‌الله در دوران سید حسن، تنها یک نیروی نظامی نبود؛ بلکه به‌نهادی بدل شد که مردم، درمان، آموزش و امنیت اجتماعی خود را به آن می‌سپردند. این مشروعیت مردمی، عمیق‌تر از هر قانونی بود؛ از دل مدارس، دانش‌آموزان و آوارگان جنوب».

سیدافقهی در پایان گفت وگو با تأکید بر ماندگاری میراث سید حسن خاطر نشان می‌کند: «حتی پس از شهادت، میراث سیاسی سید در ساختار قدرت لبنان یا برجا خواهد ماند. او حزب‌الله را نه فقط در میدان نبرد، بلکه در سپهر سیاست نهادینه کرد».

نصرالله این ایده را با ابزارهای نوین گسترش داد. تأسیس شبکه تلویزیونی «المنار» در دهه ۹۰ میلادی، نقطه عطفی در این مسیر بود. المنار، رسانه‌ای بود که مقاومت را از سطح یک تاکتیک نظامی به یک فرهنگ همه‌جانبه ارتقا داد. این شبکه با بخش اخبار، مستندها و برنامه‌های فرهنگی، نه‌تنها روایت حزب‌الله را به دنیا مخابره می‌کند، بلکه یک هویت پایدار برای مقاومت می‌سازد. از سرودهای کودکان گرفته تا فیلم‌های مستند، همه در خدمت تثبیت این هویت‌اند.

■ از حاشیه به متن

اگر امام موسی صدر تلاش کرد شیعه لبنان را از حاشیه به متن جامعه بیاورد، سید حسن نصرالله به تکمیل این ایده با ابزارهای روزآمد پرداخت. او با ساختن نهادهای فرهنگی و اجتماعی، نه‌تنها نیازهای محرومان را برطرف کرد، بلکه آن‌ها را به شهروندانی مقاوم و آگاه تبدیل کرد. حرکت فرهنگی نصرالله، ادامه همان خطی است که امام موسی صدر آغاز کرد؛ خطی که محرومان را از توده‌ای منفعل به نیرویی فعال و هویت‌ساز تبدیل می‌کند. این حرکت، نه‌تنها در لبنان، بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز الهام‌بخش است.



یادداشت

مجتبی خاتونی

شهادت سید و تلاش دشمن

برای معنازدایی از ژئوپلیتیک منطقه

عجیب بود، در جوامعی با جمعیت میلیونی سادات، همه ما وقتی در یک گفت‌وگوی دو یا چند نفره صحبت از سید می‌شد، می‌دانستیم معنای آن چیست و کیست؛ و همین معنا بود که دشمن را به استیصال رسانده و به گمان خود در صدد حذف آن برآمد و شد آنچه شد. سید حسن نصرالله دقیقاً مصادق همان چیزی است که اسرائیل به دنبال حذف آن است. او نه فقط یک مبارز، عدالت‌خواه، نظریه‌پرداز یا دانشمند، که یک روح‌تعالی یافته و سرچشمه معناییی مناسبات و معادلات در جهان پیرامون خود است و نقطه دردناک داستان برای دشمن این است که او هنوز هست!

این ادعانه انکار خسران‌ناشی از فقدان جسمانی او، که بیانگر سطحی بالاتر از تأثیر و تأثر است. آنجا که یک گزاره متواتر در تاریخ انسان فطری، در آورده‌گاه کر‌بلای سال ۶۱ هجری به اوج می‌رسد که «هیئات منا الذله» و همان گزاره هزار و ۴۰۰ سال بعد، معادلات استعماری و استکباری یک جبهه شیطنی را به هم می‌ریزد.

و این هیئات، چه آن‌گاه که از زبان خمینی کبیر برآمد و چه آنجا که با صدای سید حسن نصرالله به گوش آزادی‌خواهان جهان رسید، یک مأموریت بزرگ داشت؛ احیای معنا در دنیایی که کمر به قتل آن بسته بود؛ دنیای اسرائیلی، انسان غیر صهیونیست را به صراحت حیوان می‌خواند و می‌خواهد و نقطه اختلاف این دو، همان معناست.

این معنا همان چیزی است که سید حسن نصرالله (به تأسی از اسلاف خود) به وسیله آن یک جغرافیای اشغال شده و در آستانه الحاق و اضمحلال را به درزی مستحکم در برابر زیاده‌خواهی‌های ژئوپلیتیکی دشمن اسرائیلی تبدیل کرد و چه بسیار جوانان از سایر مذاهب اسلامی یا ادیان دیگر و یا حتی ناباورمندان به حقیقت الهی هستی که با ارتباط گرفتن با این عنصر حیات‌بخش، به جبهه حق پیوسته و امروز بلوکی ژئوپلیتیکی را تشکیل داده‌اند که با همه آسیب‌ها و کاستی‌ها، ی‌کن‌ت‌ه مقابل جبهه شیطان ایستاده است.

محور مقاومت، خود حول یک محور اساسی شکل گرفته و آن عبارت است از معنا؛ و این معنا چیزی فرای یک ایدئولوژی یا مانیفست و ورای یک مذهب و آیین، بلکه شبکه‌ای از هم تنیده از واقعیات فطری بشر است که یک مرد میانسال را زینی‌را به تظاهرات روز روزه و یک نفره مقابل سفارتخانه شیطان در توکیوم می‌کشاند یا محمّد صیف و یحیی السنوار می‌سازد برای شلیک به قلب اهریمن. چیزی که عیان است، تلاش بی سابقه محور اسرائیلی- آمریکایی برای حذف مصادیق معنوی و معنایافته ژئوپلیتیکی به منظور کاستن از سرعت فروپاشی و اضمحلالی است که سال‌های سال، نظریه‌پردازان و اندیشمندان اتفاقا غربی، به‌شدار آن را داده بودند. اما سؤالی که مطرح می‌شود این است «آیا اصولاً معنا با حذف فیزیکی مصادیق از بین می‌رود؟» و پاسخی که به‌شدت ساده است:

اما سید زنده است چون معنای مقاومت زنده است. اصولاً معنا نمی‌میرد. شاید در برهه‌ای کم‌فروغ و کم‌رنگ باشد؛ شاید مظلوم و تنها و شاید شهید، اما قطعاً نمی‌میرد.

خاطرات

مرتضی غرقی، خبرنگار و نویسنده | برای مصاحبه با سید حسن نصرالله به لبنان رفتم. رسیدن به او سخت بود؛ چهار بار ماشین عوض کردم و یک ساعت در راه بودم. وقتی گلیاه کردم، سید با خنده گفت: «به شما احترام گذاشتند، دیگران هفت بار ماشین عوض می‌کنند!» این شوخ‌طبعی در شرایط امنیتی سخت، مرا شگفت‌زده کرد. پرسیدم اگر اسرائیلی‌ها او را تهدید کنند، چه می‌شود؟ با آرامش گفت: «آن‌ها می‌دانند پاسخ ما شدید خواهد بود». این دیدار نشان داد او رهبری کاربزماتیک است که با صمیمیت و اطمینان، دوستان را امیدوار و دشمنان را نگران می‌کند.

عزت‌الله ضرغامی، وزیر پیشین گردشگری | در دهه ۷۰، سید حسن نصرالله برای بازدید از کارخانه‌ای در شهر یار به ایران آمد. قرار بود ساعت ۸ صبح باشد، اما او با تأخیر رسید. علت را پرسیدیم، گفت: «وزارت خارجه خودروهای بنز تشریفاتی فرستاده بود، اما چون رهبر معظم انقلاب از استفاده از خودروهای لوکس نهی کرده بودند، سوار نشدیم». تأکید کرد به دلیل لباس روحانیت، نمی‌خواهد تصویری توجیهی به‌نویسد؛ رهبر معظم انقلاب ایجادشود. این دقت و فروتنی او درس بزرگی برابیم بود.

علیرضا قزوه، شاعر | سید حسن نصرالله را در لبنان ملاقات کردم. او بارها گفت: «هزار بار بمیرم، از راه امام خمینی (ره) دست نمی‌کشم». اخلاص او در این مسیر، او را الگویی جاودان کرد. محبتش به امام و رهبر معظم انقلاب، او را از دیگر رهبران متمایز می‌کرد. اگر یک‌کسرش به ایران بیاید، تشییعی چون حاج قاسم خواهد داشت.

جهانبخش سلطانی، هنرمند | برای سریال «چشمان آبی زهر» به لبنان رفتم و با سید حسن نصرالله دیدار کردم. این دیدار تجربه‌ای ارزشمند از مقاومت و ایستادگی بود که الهام‌بخش کارم شد.

محسن مؤمنی شریف، رئیس پیشین حوزه هنری | در سال ۱۳۸۱، به دعوت جمعیت دفاع از ملت فلسطین به لبنان سفر کردم. در آپارتمانی ساده در ضاحیه با سید حسن نصرالله دیدار کردیم. او به فارسی روان صحبت کرد و پیروزی‌های حزب‌الله را به انقلاب اسلامی نسبت داد. گفت پیش از انقلاب، شیعیان لبنان جایگاهی نداشتند، اما امام خمینی (ره) به آن‌ها عزت بخشید. او حزب‌الله را نه‌تنها نظامی، بلکه نهادهی فرهنگی واجتماعی معرفی کرد که از الگوی انقلاب اسلامی بهره گرفته است.

